

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَأَخْلِلْ عُقْدَةَ

مَنْ لِي سَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کره!

او زما امر (درسالت) راته آسان کره! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چي (خلک) زما په

خبرو (نبه) وپوهیږي"

اکتوبر 2020

صفر 1442

شماره دو صد هفتاد و هفتم

فتوا در مورد برسمیت شناختن دولت اسرائیل در

سرزمین های اشغالی فلسطین

خطیب و امام مسجد اقصی شیخ عکرمه صبری در مورد برسمیت شناختن دولت امارات و تبادل سفراء با اسرائیل می گوید که در معاهده صداقت بین امارات و اسرائیل ماده است که برای یهود ها اجازه نماز خواندن را در مسجد اقصی میدهد. شیخ صبری می گوید که اقصی عبارت از مسجد و عمارتها و ساحة بزرگ حرم است که از مسلمانان میباشد نه به فیصله ملل متحد و مجلس امنیت و مؤسسات دیگر بلکه به امر خداوند سبحانه و تعالی.

شیخ یوسف القرضاوی می گوید: فلسطین به نص قرآن کریم و سنت نبوی شریف، سرزمین مقدس و مبارک است. سرزمین فلسطین وقف اسلامی میباشد که هیچکس حق تنازل آنرا ندارد، امام القرضاوی اضافه میکند که جهاد بالای مردم فلسطین فرض عین است تا تمام خاک فلسطین آزاد نشود، فلسطین سرزمین اسلام و اولین قبله و سومین حرم شریف است لذا جهاد برای آزاد ساختن آن واجب است.

امام محمد الغزالی، زیارت مسجد اقصی را تا آزادی آن از اشغال یهودان حرمت میداند و می گوید سفر به فلسطین و گرفتن ویزه از دولت یهودی، تقویت اشغال خاک فلسطین است.

دکتور احمد الریسونی رئیس اتحادیه بین المللی علماء مسلمین در مورد تأسیس روابط سیاسی و شناسائی اسرائیل می گوید:

علمای که تأیید به رسمیت شناختن نظام اشغالگر اسرائیلی میکنند، از باب وظیفه می نمایند نه از منظور شرعی.

الریسونی در مصاحبه خود با روزنامه الشروق الجزائریه، می گوید که علمای که حمایت از روابط با اسرائیل می نمایند در حقیقت اراده ولی امر و ولی نعمت خود را تمثیل می کنند.

الریسونی نقش دولت امارات را در منطقه بشدت تقبیح می کند. از موقف شریعت در مورد روابط سیاسی و شناخت اسرائیل الریسونی می گوید که این امر حرام و غیر قابل قبول است نه از نظر شریعت و نه از نظر انسانیت و نه هم از منظور اخلاقی.

برسمیت شناختن یعنی استقبال و تکریم و همکاری و اتحاد با اسرائیل و به بازکردن دروازه اقتصادی و فرهنگی و مطبوعاتی و سیاحت با طرفی که زمین را اشغال کرده و مردم آنرا اخراج کرده حرام است.

فتوا به قلم نسوان

مسئولیت بزرگ را حمل میکرد به دلیل اینکه مفتی از جانب الله امضاء میکند.

امام القاضی عیاض الیحصبی (544 هجری) در ترتیب مدارک می گوید: طالب علم فقیه گفته نمیشود تا اینکه تکمیل نکند سن و قوت نظر و حفظ رأی و روایت حدیث و طبقات رجال آنرا و بداند علل و اختلاف را، و بفهمد مذاهب علماء و تفسیر معانی قرآن، در این صورت مستحق است که فقیه گفته شود در غیر آن اسم طالب بر او باقی می ماند و از اینجا میدانیم که هر زن که در کتب تراجم به حیث فقیه آمده باشد حق فتوا را میداشته باشد. علامه ابن القیم ذکر میکند: از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم که فتواهای شان حفظ شده به 130 شخص بین زن و مرد میرسد و از بین شان ذکر میکند که 22 مفتی از طبقه زنان بودند به حسب بیشتر فتوا و کمتر فتوا. أم المؤمنین عائشه، أم المؤمنین أم سلمة، أم عطية، أم المؤمنین صفیة، أم المؤمنین حفصة، أم المؤمنین أم حبیبة، و لیلی بنت قانف الثقفیه، و اسماء بنت ابی بکر، و أم شریک، و الحولاء بنت تویت الأسدیة، و أم الدرداء الکبری، و عاتکه بنت زید بن عمرو، و سهلة بنت سهیل، و جویریة أم المؤمنین، و میمونة أم المؤمنین، و فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه وسلم، و فاطمه بنت قیس، و زینب بنت أم سلمة، و أم ایمن الحبشیه، و أم یوسف حبشیه خدمتگار رسول الله و الغامدیة.

محقق در بحث تاریخ افتاء در عصور اسلامی تعداد زیاد زنان را می بیند که به نمایندگی رب السموات امضاء کرده اند و این نشان دهنده این است که زنان نقش مهم را در فقه و افتاء در عصر نبوت داشتند و حضور زنان در این ساحه فعال بود، تا درجه که عبدالحلیم ابی شقه (ت 1995 م) عنوان موسوعه اش بنام «تحریر المرأة فی عصر الرسالة/آزادی زند در عصر رسالت» گذاشت.

یکی از موضوعات مهم و قابل بحث در مجامع علمی اسلامی نقش عضویت زنان در دارالافتاء و مؤسسات افتاء رسمی میباشد. قبول مفتی از طبقه نسوان در طول تاریخ موضوع اختلاف فیه در بین دانشمندان میباشد، گروه آنرا تأیید و گروهی هم به آن مخالفت دارند. مناقشه در این ساحه عوامل متعدد دارد و یکی از مهمترین عامل آن این است که اغلب مفتی ها در طول تاریخ از طبقه مردان بود، مشکل دیگر در این است که عده از مردم بین وظیفه قضاء و افتاء تفاوت را درک نکرده اند. اختلاف بین گذشته گان در مورد منصب قضاء برای زن موجود بود و اما در موضوع فتوا توسط زنان اختلاف نظر در بین علماء گذشته نبود.

فتوا زنان در وقت مبکر

امام ابن القیم الجوزیه (ت 751 هـ) اصطلاح امضاء از جانب الله را برای فتوا انتخاب و در کتاب خود بنام «إعلام الموقعین عن رب العالمین» موضوع را بحث و برای فتوا شروط آنرا بدین ترتیب می آورد: شرط برای مفتی، مسلمان، امانتدار، دور از اسباب فسق، فقیه النفس، سلیم ذهن، فکر صحیح، صحیح تصرف و استنباط چه این شخص آزاد باشد و یا عبد باشد، چه زن باشد، و اساس فتوا در اسلام فقط ارتباط به ملکات علمی و اخلاق عالی و صحت نظر و استنباط دارد.

در تاریخ اسلامی تعیین مفتی به فرمان سیاسی مانند منصب قضاء نبود. فقهاء در تعریف فتوا می گویند که: اطلاع داشتن به احکام و حکم شرعی و علماء شهادت دهند که شاگرد (زن یا مرد) به درجه علمی رسیده که میتواند فتوا بدهد و شخصیکه باین درجه از علم رسیده باشد لقب مفتی، عالم و یا فقیه را به او اطلاق می کنند و رسیدن به این لقب در گذشته آسان نبود خصوصاً لقب مفتی که

فتوا بقلم نسوان /

عائشه رضی الله عنها و صناعت فتوا

در ساحة فتوا بين طبقة نسوان در قرن اول و در ساحة فقه أم المؤمنین عائشه (ت 58 هـ) در مقدمه می آید. مؤرخین که فتوا را بررسی و تحقیق می کنند عائشه را بین هفت صحابه که بنام خداوند امضاء کرده اند می آورند ، به دلیل اینکه او فقیه در بین فقهاء امت بود مثلیکه ابن القیم در إعلام الموقعین عائشه را توصیف نموده. امام الذهبی (ت 748 هـ) در سیر اعلام النبلاء می نویسد: در بین امت محمد صلی الله علیه وسلم ، و در طبقة بین زنان بصورت مطلق کسی را سراغ ندارم که از عائشه عالمتر بوده باشد. مؤلف الطبقات الکبری ، ابن سعد البصری (ت 230 هـ) ثابت می کند که عائشه رضی الله عنها در خلافت ابی بکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم در فتوا استقلالیت کامل داشت و بزرگان صحابه رسول الله صلی الله علیه وسلم مثل عمر و عثمان و بعد از ایشان نزد عائشه می فرستادند و در مورد سنن سؤال می کردند.

نزدیکی عائشه رضی الله عنها با رسول الله صلی الله علیه وسلم نقش بزرگ را در روایات حدیث برانزنده می سازد و عائشه روایت های فقهی زیاد دارد تا حدی که الحاکم النیسابوری (ت 405 هـ) که از او امام بدرالدین الزرکشی (ت هـ) در کتاب اش که ذکر شده می گوید که عائشه روایات فقهی زیاد دارد و او یعنی عائشه ربع شریعت را حمل می کند . جمع روایات عائشه در صحیح بخاری و مسلم حوالی 270 حدیث میرسد و این بغیر از استخراج احکام . شیخ سعید فایز الدخیل فقه و فتوا های عائشه را در کتاب بزرگ بنام « موسوعة فقه عائشه أم المؤمنین ... حیاتها و فقهها » جمع آوری کرده است.

عائشه رضی الله عنها به استقلال در فتوا و آراء فقیه شهرت دارد مثل افراد او به فتوای عدم تفریق یا فرق گذاشتن بین

ولد زنا و غیر او در امامت نماز ، اگر بهتر در قراءت قرآن باشد و بهتر در فهم شریعت به دلیل اینکه ولد زنا ، گناه والدین خود را حمل نمیکند « و لا تزر وازرة أخری » . هیچکس گناه و مسئولیت دیگری را حمل نمی کند.

همچنان عائشه رضی الله عنها در فتوا به جواز سفرزن بدون محرم مستقل است و می گوید که اگر زن از فتنه بالای نفس خود به امان باشد میتواند بدون محرم سفر کند . الزهری می گوید: در حضور عائشه گفته شد که زن بدون محرم سفر نکند ، عائشه گفت: تمام زنان محرم نمی داشته باشند. شیخ سعید الدخیل در کتاب اش که در بالا ذکر شد در مورد فقه عائشه می گوید که بیشترین فتوا ها از عائشه صادر شده به صفت یک زن فقیهی متمیز بخاطری که او با رسول الله صلی الله علیه وسلم زیر یک سقف زندگی داشت و از آنحضرت آنقدر آموخت که مردها نه آموختند.

عائشه رضی الله عنها نه تنها نقش مهم را در فقه و فتوا و روایات سنن داشت ، بلکه با بزرگان صحابه مناظره داشت و فتوا های بزرگان صحابه مانند پدر خود ابوبکر و عمر را مراجعه و بازنگری و اصلاح میکرد. بازنگری عائشه رضی الله عنها در اصطلاح علماء « استدراک های عائشه » یاد شده (استدراک : رفع شوشیدگی یا ابهام ، سخنی که قبلاً گفته شده باشد ، تصحیح یا اصلاح ، جبران کردن) .

امام الزرکشی استدراکات عائشه را در مورد صحابه کرام در کتاب خود بعنوان « الإجابة لإیراد ما استدراکته عائشه علی الصحابة » جمع آوری کرده است. همچنان عائشه مفتی های زیادی را از طبقة زنان تعلیم داد تا وظیفه مفتی را در جامعه داشته باشند مانند : خواهرش أم کلثوم و حفصه بنت عبدالرحمن بن ابوبکر (58 هـ) برادرزاده اش.

فتوا بقلم نسوان /

جواب می داد. سبب گرایش امام ابو حنیفه به فقه و فتوا سؤالی بود که یک از زن از او نمود.

در عصر بعد از تابعین دیده میشود که فقیه بزرگ و عظیم مثل امام ابی محمد ابن حزم الأندلسی (456 هـ) که مذهب اش بنام ظاهری شهرت دارد و در اکثر علوم استاد توانا بود در مورد نقش زنان در تکوین شخصیت علمی خود در مرحله اول می نویسد: در حضور زنان رسیدم و از اسرار شان تعلیم گرفتم و من در زیر تربیه شان بزرگ شدم و در بین دستان شان تربیه یافتم و بغیر از آنها کسی را نمی شناسم، آنها برایم قرآن را تدریس کردند و اشعار را تفسیر کردند و رسم خط را یاد دادند. این مرحله اول برای تعلیم علم بود که امام ابن حزم از زنان آموخت و سبب شد که یکی از بزرگان و تحلیلگران نفس بشری در تاریخ قدیم و خصوصاً اموری که ارتباط به زنان داشت گردد.

اگر بطرف شرق اسلامی حرکت نمائیم در قرن پنجم هجری، شخصیت بزرگ را به مقام حافظ المشرق «الإمام الخطیب البغدادی» (ت 463 هـ) می بینیم که حدیث را از محدثه «طاهره بنت احمد التنوخیه» (ت 436 هـ) آموخت، امام ابن عساکر (ت 571 هـ) در کتاب اش بنام «معجم النسوان» نام از 80 شیخه می آورد که از ایشان علم را آموختند. الذهبی در «السیر» می گوید: الحافظ السلفی (ت 576 هـ) از زنان در اصفهان علم را گرفت و آموخت. در بغداد نام 8 زن به مقام شیخه ثبت گردیده، یکی از شاگردان شان معجم شیخات را جمع نموده، امام الذهبی از تعداد نسوان در معجم شیخات که تألیف نموده نام می برد.

امام نجم الدین ابن فهد المکی (ت 885 هـ) ذکر می کند که از 130 شیخه علم را گرفته یعنی آموخته الحافظ بن حجر العسقلانی (ت 852 هـ) 170 محدثه را در کتاب

تعداد زیاد از مفتی ها از مدرسه عائشه فارغ شدند مانند: عمرة بنت عبدالرحمن الأنصاریة شاکرد عائشه که در جمله عالمان و فقیان و حجت برای علم بود، صفیه بنت شبیه ام منصور فقهی و عالم بزرگ، أم الدرداء الصغری فقیهی (بعد از 81 هـ) أم الدرداء به علم و عمل و زهد شهرت داشت. امام النووی در «تهذیب الأسماء و اللغات می نویسد: علما در مورد اینکه أم الدرداء فقهی و صاحب عقل و فهم و جلالت بود متفق رأی هستند.

زنانی که بزرگان علم را تربیه کردند

در عهد تابعین یعنی بعد از عهد صحابه در مدینه منوره هفت عالم بزرگ و جلیل القدر به لقب فقهاء هفتگانه مدینه شهرت یافتند. کتب التراجم در مورد این فقهاء می آورد که هر کدام از آنها علم را از یکی از فقهاء زن آموختند مانند: سعید بن المسیب (ت 94 هـ) علم را از عائشه و أم سلمه آموخت، عروة بن الزبیر (ت 93 هـ) از اسماء بنت ابی بکر الصدیق و از خاله اش أم المؤمنین عائشه، القاسم بن محمد بن ابی بکر الصدیق (ت 107 هـ) در منزل عمه اش أم المؤمنین عائشه تربیت یافت و فقه را از او آموخت، فقیه و شاعر عبیدالله بن عبدالله الهذلی (ت 98 هـ) علم را از عائشه و أم سلمه حاصل نمود.

امامان مذاهب علم را از عالمان زن گرفتند مانند: امام مدینه منوره مالک بن انس (ت 179 هـ) علم را از عائشه بنت سعد بن ابی وقاص (ملقب به عائشه الصغری) تعلیم گرفت و از مالک دخترش فاطمه علم را آموخت. در مورد فاطمه بنت مالک الحافظ ابن ناصر الدین دمشقی (ت 842 هـ) در مورد روایات کنندگان موطأ مالک می گوید: مالک دختری داشت که علم او را حفظ کرد، فاطمه در عقب دروازه ایستاده می بود تا اگر قاری اشتباه میکرد (قاری یعنی شاگردان) در را می کوبید و از مالک فتوا می خواست و

فتوا بقلم نسوان /

در مصر، فقیه بزرگ خواهر اسماعیل بن یحیی المزنی (متوفی 264 هـ) نصرت دهنده مذهب شافعی (204 هـ) بود، خواهر اسماعیل با اینکه در اکثر مناقشه و مناظره اشتراک داشت اما در تاریخ بنام (اخت المزنی) یاد می شود. السیوطی (911 هـ) در (حسن المحاضرة) می نویسد که اخت المزنی در مجالس شافعی حضور میداشت. فقهی شافعی ابو القاسم الرافعی (ت 623 هـ) در (العزیز شرح الوجیز) از قول المزنی می نویسد بعضی شرح کنندگان می گویند که خواهرش (خواهر المزنی) برای المزنی از شافعی روایت می کرد.

المزنی اسم او را ذکر نکرد و کتب تراجم از تاریخ زندگی و وفات او سکوت کرده، تنها السیوطی ذکر میکند که ابن السبکی الأسنوی در الطبقات می آورد که او مادر امام ابی جعفر الطحاوی الازدی (ت 312 هـ) بود.

در اندلس: مؤرخ اندلس ابن عمیره الضبی (ت 599 هـ) در کتاب اش بنام (فی بغیة الملتمس)، از فاطمه بنت یحیی بن یوسف المغامی (ت 319 هـ) یاد میکند و می گوید که عالمه و فقیه با تقوی بود و در قرطبه سکونت داشت و در همانجا وفات نمود. و در جنازه اش هزارها نفر اشتراک کردند.

در عراق: ابن الحوزی در (فی المنتظم) از ام عیسی بنت ابراهیم الحربی (ت 328 هـ) یاد میکند و می گوید که زن عالمه و فاضله و در فقه فتوا میداد. امام الذهبی در (العبر) می نویسد که امه الواحد دختر القاضی الحسین المحاملی (ت 377 هـ) در مذهب شافعی نبوغ داشت و با ابی علی بن ابی هریره شیخ شافعی (ت 345 هـ) فتوا صادر میکرد.

در خراسان: کتب التراجم از ام الفضل عائشه بنت احمد الکمسانی المروزیه (ت 529 هـ) نام می برد و می گوید

خود بنام «الدرر الكامنة فی أعیان المئة الثامنة» می آورد که در بین شان 54 شیخه از جمله استادان خودش بودند. او در کتاب دیگر خود بنام «التقريب» از 824 زن که در روایت شهرت داشتند ذکر میکند. السخاوی (902 هـ)، شاگرد العسقلانی در کتاب خود بنام «الضوء اللامع»، حوالی 85 شیخه را ذکر میکند. و الحافظ السیوطی (ت 911 هـ) 44 شیخه را ذکر می کند.

اقارم بیان میکند که تعداد محدثات در دو قرن هفتم و هشتم در مصر و شام در حدود 334 محدثه بود و معروفترین محدثین در آن عصر از محدثات، علم را اخذ کرده اند مثل: ابن عساكر و ابن حج و دیگران، و بطور عموم هیچیک که در ساحة حدیث مشغول بودند وجود ندارد که در آن عصر محدثه نگرفته باشند.

مفتی ها از طبقه زنان

اگر در ساحة فتوا بررسی و تحقیق شود، هیچ ولایت از ولایات اسلامی نیست که در آن مفتی ها از طبقه زنان نباشد که از جانب الله امضاء نکرده باشند. در قرن سوم هجری در قیروان، به تعبیر مؤرخ فرهنگ و ثقافت تونس حسن حسنی عبدالوهاب الصماد (ت 1968م)، اولین مفتی: أسماء بنت اسد بن الفرات (متوفی در حدود 250 هـ) بود، اسماء از پدرش که عالم و امام و قاضی عظیم بود علم را آموخت و در مذهب ابی حنیفه علوم فقه را تعلیم گرفت و پدرش عالم به فقه حنفی بود و همچنان شهرت زیادی در مذهب مالکی داشت. فقهی دوم در تونس، خدیجه بنت الإمام سحنون (متوفی در حدود 270 هـ) بود، خدیجه مؤسس دوم مذهب مالکی و نشر کننده آن در غرب اسلامی به حساب می آید. قاضی مالکی عیاض در کتاب اش بنام «فی ترتیب المدارک» خدیجه را در جمله بهترین مردم ذکر میکند.

فتوا بقلم نسوان /

و محدثات از طبقه زنان را می آورد. در این قرن القاب و اسماء بالای عالمان از طبقه نسوان گذاشته می شد مثل: ست الفقهاء و ست القضاة، ست الکتبه، ست الوزراء و ست الملوک.

ست العلماء لقب بنت شیخه رباط درب المهرانی (ت 712 هـ) و ست الفقهاء، امه الرحمن دختر ابراهیم الصالحیه الحنبلیه (ت 726 هـ) و ست الفقهاء لقب بنت الخطیب شرف الدین العباسی (ت 765 هـ)، ست الوزراء بنت عمر بن المنجی (ت 716 هـ) و ست الملوک فاطمه بنت علی بن ابی البد (ت 710 هـ) بود.

مجموع فقها در قرن نهم هجری که در مکه مکرمه اقامت داشتند به 270 فقیهه میرسید. السخاوی در کتاب خود بنام (الضوء اللامع لأهل القرن التاسع) به تعداد 1080 زن را که همه فقهی و محدثه بودند ثبت کرده و ابن عدد بزرگ نمونه از کوشش های زنان در خدمت علم و فقه و فتوا میباشد.

در بین بزرگان قرن دهم هجری شیخه عالمه أم عبد الوهاب بنت الباعونی الدمشقیه (ت 922 هـ) میباشد. نجم الدین الغزی (ت 1061 هـ) در کتابش (الکواکب السائره بأعیان المئه العاشره) می نویسد که أم عبد الوهاب یگانه زن دنیا بود؛ که برای تعلیم به قاهره سفر داشت و تمام علوم را آموخت و اجازه یافت که فتوا و درس بدهد. در قرن یازدهم هجری در مکه مکرمه محدثه قریش بنت عبدالقادر الطبری (ت 1107 هـ) فقیه بزرگ و مشهور در خانواده بزرگ علم بود. الزرکلی در کتاب (الأعلام) و علامه المغربی محمد عبدالحی الکتانی (ت 1382 هـ) در (فهرس الفهارس والأثبات) می نویسد که قریش بنت عبد الوهاب از مسانید هفت گانه حجاز بود که بواسطه آنها حدیث در قرن یازدهم به عظمت و شکوه رسید.

که ابو سعد السمعانی (ت 562 هـ) در (التحییر فی المعجم الکبیر) در مورد ام الفضل می نویسد که او در علوم بحر بود و در تمام جهان شهرت داشت، و در بسیار از علوم مشارکت داشت خصوصاً در فقه و در عقب حجاب جلوس میکرد و برای شاگردان درس میداد و از علم او مردم بسیار آموختند. مشهورترین مفتی ها از طبقه زنان که وظیفه فتوا را در مذهب حنفی داشتند: مفتی فاطمه بنت علاء الدین السمرقندی، مؤلف کتاب (تحفه الفقهاء) همسر امام علاء الدین الکاسانی (ت 587 هـ) صاحب کتاب (بدائع الصنائع) بود. فاطمه در مدرسه پدر شاگردی کرد و مذهب را بصورت صحیح نقل میکرد و شوهرش الکاسانی در فتوا در مورد صحت و خطا به او مراجعه میکرد، و فتوا بامضاء پدرش و فاطمه صادر میشد و زمانیکه با الکاسانی ازدواج کرد بامضاء هر سه نفر فتوا صادر میشد.

القاب با معانی

در قرن هفتم فاطمه بنت الامام السید احمد الرفاعی الکبیر (ت 607 هـ) فقیهه جلیل القدر و بزرگ در دین خدا بود. عالمه و فاضله زینب دختر ابی القاسم معروف به أم المؤید.. زینب بزرگان علماء را دیده بود و از ایشان اجازه تدریس را دریافت کرده بود. الزمخشری (ت 539 هـ) مؤلف (تفسیر الکشاف) در جمله یکی از علماء بود که برای زینب اجازه تدریس را عطاء کرد و از بزرگان علماء علامه مؤرخ قاضی القضاة ابن خلکان (ت 681 هـ) چنانکه ادیبه لبنانی العصامیه فوار العاملی (ت 1332 هـ) در کتاب خود بنام «الدر المنثور فی طبقات ربات الخدور» می نویسد که زینب از این بزرگان اجازه یعنی شهادتنامه حاصل کرد.

در قرن هشتم تعداد زیاد محدثین و فقهاء را از طبقه نسوان داریم. الحافظ بن حجر از بزرگان این قرن در کتابش «الدرر الکامنه فی أعیان المائه الثامنه» بسیار از فقهاء و عالمان

واعظان که در منبر سخنرانی می نمودند

مؤرخین قرن هشتم هجری از زندگی ام زینب فاطمه بنت عباس البغداده (ت 714 هـ) یاد میکنند. رباط فتوا بقلم نسوان /

البغداده که در قاهره در سال 684 هجری تأسیس شده نسبت به او دارد. الذهبی در (السير) ام زینب فاطمه را بصفت شیخه و مفتی و فقهی و عالمه حنبلی یاد میکند. او در کتاب اش بنام (العبر) می نویسد که ام زینب سیده نساء زمان اش بود. مؤرخ صلاح الدین الصفدی (ت 764 هـ) در کتاب (اعیان العصر) می نویسد که ام زینب بالای منبر ایستاده برای زنان وعظ میکرد.

شیخه دمشقی که از بالای منبر وعظ میکرد نامش ام الفقیه الشافعی شهاب الدین الانصاری قاضی الخلیل. لقب این زن عالمه بود.

زهد در تألیف: با تمام این عدد بزرگ از فقهاء و محدثات و علماء از طبقه نسوان، کتب فقه از ذکر اسماء شان کنار رفته و فقط اقوال امهات المؤمنین و خصوصاً عائشه را آورده اند

نبودن مفتی های زن در دارالافتاء ها

دراکثر دارالافتاء ها در کشور های اسلامی و امریکا و کشور هایی اروپائی مفتی زن عضویت ندارد. نبودن مفتی زن در دارالافتاء ها سؤالات زیادی را مطرح کرده بطور مثال آیا در شریعت مانع در این مورد است و یا اینکه این موضوع ارتباط به میراث فرهنگی دارد؟

عدم حضور زنان در دارالافتاء ها همیشه از طرف انجمن هایی نسائی و حقوق انسان مورد انتقاد قرار می گیرد. تحقیقات که زنان در موضوع شریعت انجام داده اند باین

نتیجه رسیده اند که عدم عضویت زنان در دارالافتاء ها یک امر قصدی است در حالیکه موجودیت زنان خصوصاً آنچه متعلق به قضایای شرعی زنان است عضویت زن را در دارالافتاء برای دادن فتوا ضروری می سازد و موجودیت مفتی های زن در مسائل زنان و دادن فتوا برای زنان بسیار ضروری و مفید است.

استاد فقه مقارن در پوهنتونهای ارد دکتور جبر فضیلات می گوید: «موانع شرعی از تعیین زنان در دارالافتاء وجود ندارد خصوصاً آنچه متعلق به فقه زنان در مسائل و قضایا است».

فضیلات اضافه میکند که بهتر و با فضیلت تر است تا مفتی های زن قضایای مربوط به زنان را رهبری کنند خصوصاً که زیادترین زنان از اینکه مشکل شانرا برای مفتی مرد بگویند حیاء و شرم دارند و مفتی زن و فقیه زن بهتر در مسائل زنان نسبت به مرد می داند و بهتر به سؤالات شان جواب و فتوا مناسب می دهد.

عابده المؤید یکی از محققین سوری در فقه و قضایای خانواده می نویسد: «کوشش ها برای دور ساختن زنان از مجلس های فتوا به دلیل اینکه عقل زن قاصر و ضعیف است جریان دارد و بهمین دلیل زن برای فتوا دادن مناسب نیست. المؤید اضافه میکند که قبل از یک ماه در یکی از برنامه های وثائقی از شیخ ازهر شنیدم که گفت: اگر زنانی که اهلیت فتوا را داشته باشند خوش آمدید برای شان می گوئیم.

عابده ادامه داده می گوید دور نگهداشتن زنان از مجالس فتوا ارتباط به فرهنگ و ثقافت جوامع ما دارد و در فرهنگ جوامع ما بهترین مکان برای زن خانه و تربیه اولاد و پیشبرد کار خانه است و این فرهنگ سبب آن شده تا زنان در امکان عامه حضور نداشته باشند.

نبود مفتی‌ها از طبقهٔ نسوان/

الحایک در آخر می‌گوید که در شریعت مانع برای اشتراک زن در مجالس افتاء نیست و مشارکت زنان در این قبیل مؤسسات سبب پیشرفت می‌شود و زن فقهیه در بسا موارد نسبت به مرد فقهیه تجربه‌های بیشتر را دارد.

عابده ادامه داده می‌گوید: ملاحظه کردم که اکثریت در مناقشه‌های عمومی در صفحات اجتماعی از نقش زن در مسائل زنان میدانند و حق زن را در مسائل عمومی و قضایای فقهیه محدود می‌شمارند.

صفحه از تاریخ معاصر افغانستان

1900 — 1930

تألیف: فضل غنی مجددی

تحقیق جدید در 591 صفحه به مطالعه شما آماده است. شما میتوانید کتاب را از آدرس فقه اسلامی بدست آورید. قیمت کتاب \$25 و قیمت پست برای امریکا \$5 میباشد. نظر به قیمت گزاف پستی از فرستادن کتاب به اروپا بصورت انفرادی معذرت میخواهیم.*

از دواج و تربیه در فکر معاصر اسلامی

تألیف: فضل غنی مجددی

تحقیق در 380 صفحه برای مطالعه شما آماده است. قیمت کتاب: \$25، مصارف پستی \$5.

خواهران و برادران گرامی کمک‌های معنوی و مادی شما سبب تقویت و ادامهٔ نشرات فقه اسلامی است. ایام قرنطین بهترین فرصت برای مطالعه میباشد. برای مطالعه کتب اسلامی به ویب‌سایت «فرهنگ و ثقافت اسلامی» مراجعه فرمائید. همچنان در اول هر ماه میتوانید فقه اسلامی را در سایت مطالعه کنید.

Islaminfo.One

Fazl Ghni Mogaddedi
201 Washington Blvd # 104
Fremont, ca 94539
U.S.A

Tel (510)979-9489

WhatsApp (510)673-5264

fazlghanimogaddedi@yahoo.com

Islaminfo.one

aamo-usa.com

عابده در تحقیقات خود می‌نویسد که ممانعت شرعی در رسیدن زن به منصب افتاء در تمام مسائل و قضایای فقهیه نیست و اما ممانعت از سالهای عقب ماندن مسلمانان و تأثیرات محیط و فرهنگ و تفکر جامعه است.

میراث اجتماعی و ثقافتی:

در این مورد محقق و دعوتگر مقیم در امریکا - محمد الحایک - می‌گوید که در مقدمه باید اعتراف کرد که خلل در مؤسسات افتاء و مجامع فقیه رسمی و غیره که تعلق به حضور زنان دارد موجود است.

او اضافه میکند که واقعیت‌ها در غرب نسبت به جهان اسلام بسیار تفاوت ندارد و در این مؤسسات تنها یک خانم بنام زینب طه جابر العلوانی در مجمع فقه اسلامی امریکا شمالی زن دیگری نیست و در دیگر مجامع فقهی حتی در مجلس اروپا برای افتاء و تحقیقات یک زن هم موجود نیست.

الحایک می‌گوید که مسئول از این واقعیت میراث اجتماعی و فرهنگی است که تا حال این میراث در جامعه حضور و مؤثریت نیز دارد و یکی از علامه آن هم عدم قبول زن فقهیه است و در جوامع تفکر برین است که مرد کفایت بیشتر را در این ساحه نسبت به زن دارد.

در پهلوی میراث فرهنگی اکثر جوامع محافظه‌کار و دیندار در مجتمع اسلامی حضور زنان را تشویق نمی‌کند.